

اعوذبالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

عرض سلام و ارادت خدمت همه مومنین روزه دار مهمانان خدای کریم در این ماه کرامت بحثی که محضر عزیزان طی جلساتی انشا الله خواهیم داشت عنوانش هست کسب و کار در قرآن توی این بحث دنبال چه موضوعی هستیم دنبال چه مطلبی هستیم. ببینید ما هممون به حسب طبیعت خودمون دنبال کسب و کار و درآمد و این ها هست یعنی این از اون موضوعاتی نیستش که کسی نیاز داشته باشه به که به قرآن مراجعه کنه تا در اصل قضیه براش مسئله روشن بشه مثل نماز و روزه و این ها نیستش که اگر قرآن نبود ما هم نمی فهمیدیم به هر حال انسان از روز نخست به دنبال کسب و کار و درآمد و تجارت بوده پس اون چیزی که از قرآن می خوایم بگیریم هدایت هایی است که خدای متعال در قرآن کریم در موضوع کسب و کار داشته قرآن کتابی است که «بهدی للتی هی اقوم» هدایت می کنه به اون درست ترین مسیر ما تو هر حرکتی تو هر کاری نیاز به معرفت داریم نیاز به شناخت داریم امیرالمومنین علیه السلام به کمیل فرمود یا کمیل «ما من حركة الا انت فیها محتاج الی المعرفة» هیچ حرکتی نیست مگر اینکه تو توی اون حرکت نیازمند به معرفتی نیاز به شناخت داری. و اون کتابی که به ما معرفت میده شناخت میده تیان لکل شیء همه حقایق رو بیان کرده همه جهت ها رو همه راه و چاه به ما نشون داده و درمان از اینکه ما به وقتی به مشکلی نخوریم، هم پیشگیری هم درمانه. اون چیزی که به ما نشون میده و معرفی می کنه باعث میشه که هم قبل از حرکت خوب معرفت و شناخت پیدا کنیم که دچار مشکل نشیم هم در حین حرکت، حرکت خودمون رو منضبط پیش ببریم و اگر احیان حرکت رو اشتباه رفتیم اصلاح



کنیم درست کنیم درمان کنیم. شفاء و رحمة» قرآن کتاب شفا کتاب درمانه. ما تو موضوع کسب و کار به دنبال این هدایت و این معرفت هستیم. ببینیم قرآن به یک کسی که در شبانه روز مشغول کسب و کار همه ما هستیم هیچ انسانی نداریم که کاسب نباشه در شبانه روز هیچ فعالیتی نداشته باشه پرداخت و دریافتی نداشته باشه زندگی ما اصلا مبتنی بر همینه هر انسانی در شبانه روز دریافت و پرداختی داره و به یک معنا همه کاسبیم همه در کسب و کار و نیاز داریم به این معرفت. در واقع عنوان ساده امروزیش اینه که می‌خوایم توی این بحث در این جلسات دنبال این باشیم ببینیم خدای متعال یه کاسب با معرفت اگر بخواد بسازه با قرآن چه شکلی می‌سازه و چیا رو در واقع به این کاسب القا می‌کنه و می‌آموزد هم در حوزه شناخت و نگاهش نسبت به زندگی و کار هم در حوزه رفتارش بایدها و نبایدهایی که براش تنظیم می‌کنه این دوتا رو می‌خوایم پیگیری بکنه.

نکته اولی که در مقدمه بحث بهش اشاره می‌کنم این که ساختار خلقت رو ما باید تو هر موضوعی تو هر کاری بهش توجه داشته باشیم. متناسب با ساختار خلقت باید پیش بریم اصطلاحا، اصطلاح فنی و علمی که علما این جا به کار می‌برن مخصوصا علامه طباطبایی رضوان الله تعالی علیه خیلی به این تعبیر عنایت و ارجاع میده هم عنایت دارن هم ارجاع میدن به این کلمه نظام تکوین ساختار خلقت و اون چیزی که اون مدلی که خدای متعال آفرینش رو، هستی و زندگی رو آفریده. این رو اول یه بررسی بکنیم ببینیم کسب و کار کجای نظام خلقت تا بتونیم خودمونو تطبیق بدیم با خلقت هماهنگ کنیم با نظام خلقت و شناخت درست پیدا کنیم و بعد تو مقام باید نباید ها برسیم به رفتارهای متناسب.

کسب و کار تو خلقت جایگاهش اینه اساس خدای متعال همه امور رو همه نتایج رو همه عواقب رو در ساختار هستی برای انسان منوط کرده به اراده و خواست و تلاش او. همه چیز در ارتباط با تلاش من و خواست من تعریف میشه جایگاه پیدا می کنه همه چیز. آیه سی و نه سوره مبارکه نجم می فرماید «لیس للانسان الا ما سعی» هیچی برای انسان نیست جز اونی که سعی کرده. یعنی آورده انسان توی این زندگی توی این هستی متناسب با سعیش متناسب با تلاش و متناسب با اون حرکتی که داره انجام میده. اگر تلاش بکنه بهره مند میشه تلاش نکنه بی بهره می مونه این ساختار خلقت. خدای متعال هستی رو این شکلی آفریده در رابطه با انسان انسان مالک چیزی می شود که براش تلاش کرد چه خیر چه شر چه سود چه زیان همه اینا وابسته به تلاش انسان وابسته به تکاپو و فعالیت انسانه این طور نیستش که دیگری تلاش بکنه سودش به من برسه اگه سودی به من می رسه این هم باز محصول تلاش منه. یه بحث رو علامه طباطبایی ذیل این آیه دارن خیلی زیباست یه اشاره ای بهش می کنم نکات دیگه هم هستش که توی جلسه بعد در مورد این آیه انشا الله بیشتر عرض می کنم علامه طباطبایی بفرمایم پس شفاعت چی میشه خب مثل ما روز قیامت مشمول شفاعت می شیم احساس می کنیم این شفاعت که یه امتیاز حالا پارتی حالا بگیم اشانتیونه یه چیز جداست دیگه یعنی من براش کاری نکردم همین جوری بهم دارن مید علامه طباطبایی بفرما این طور نیست این تا به حال تلاش کرد خودش رو در زمره مومنین قرار بده در زمره امت پیامبر قرار بده شفاعت برای ایناس برای کسی که در زمره امت پیامبر باشه خود این بودن در امت پیامبر یه تلاشی می خواد. این در واقع نون اون تلاششو داره می خوره که مشمول شفاعت میشه یعنی علامه می فرماید که حتی تو شفاعت هم یه چیزی خارج از این قاعده نیست

یا کسی یه سنت خوبی رو بنیان می‌ذاره یا سنت بدی رو بنیان می‌ذاره بعدها هرکی که با اون کار عمل می‌کنن اینم سهمی داره خب به حسب ظاهر من نقشی نداشتم من یه چیزی رو یاد دادم من به یک دانش آموزی نوشتن رو یاد دادم خوندن رو یاد دادم بعدها دیگه این داره تلاش می‌کنه و کتاب می‌نویسه با کتاب او افرادی هدایت میشن من تو اون هدایت و تو اون کتاب سهم داشته باشم تلاشی براش نکردم الان بفهمم اینم تلاشه اینم بازگشتش آخر به یک تلاشی است. ساختار هستی پس این شکلی است که هر چیزی که گیر آدم میاد توش یه تلاشی بوده نمیش مفت و مجانی و بی تلاش چیزی به آدم بدن. حالا البته این دو بخش داره دو بعد داره یک بعدش بعد مادی یک بعدش بعد معنویه اینا یه کمی با هم دیگه تفاوت داره یعنی نظام کار و پاداش در عالم دنیا یه جوره نظام کار و پاداش در عالم آخرت و عالم معنا یه جور دیگه است که این تفاوتی که این دوتا با هم دیگه داره نکته ایست که باید بهش توجه بشه انشا الله توی جلسه بعد به این نکته خواهیم پرداخت ولی نکته اصلی که این جلسه رو باهاش تموم می‌کنیم اینه که جزایی که خدای متعال به آدم میده پاداشی که به انسان میده وابسته به تلاش «**لیس للانسان الا ما سعی**» در آیه بعد می‌فرماید «**ثم یجزیه الجزاء الاوفی**» جزای فراگیری که قراره نیازهای منو برآورده بکنه پاداش تام و تمام مال سعی انسان بعد از این سعی که خدای متعال به انسان پاداش میده ایشالا که خدای متعال ما رو موفق کنه به تلاش برای رسیدن به بالاترین جزاها

و الحمدلله رب العالمین